

هو المعزى لامائه المصابة بالمصيبة العظمى

ای صابره شاکره هرچند این ماتم دریای اندوه و غمست و این مصیبت آتش جانسوز درد و الم و هر نفسی در نهایت حسرت و ماتم ولی چون بحقیقت نگری عاشقی بکوی معشوق شتافت و بلبلی بگلشن الهی پرواز نمود و ماهی لب‌تشنه بی‌حر راه یافت و طوطی شکرشکن بوطن پر شهد و قند پی برد حال آن نهال در جویبار جمال و جلال در نهایت طراوت و اهتزاز است و مانند مرغ چمن در گلزار و گلشن الهی باهنگ رحمانی یا لیت اهلی یعلمون بما اکرمنی ربی و جعلنی من الفائزین میسراید دیگر چرا محزونی و دلخونی عنقریب جمیع در ظلّ عنایت حضرت احدیّت جمع می‌شویم و در نهایت سرور بتسیح و تقدیس ربّ غفور می‌پردازیم

عبدالبهاء عباس

الهی الهی انّ طیراً من طیور حدائق قدسک قد قصد حظائر رحمانیتک و طار الی مطار لطفک و ربّانیتک متعظّشاً لمعین رحمتک و منجذباً الی ملکوت موهبتک ربّ اشرح صدره بالورود علی وِرد عفوک و مغفرتک و نور بصره بمشاهدة جمالک و فرّح قلبه بظهور آثار جودک و احسانک و اجعل له مقام قدس علیاً و افرغ کلّ صبر و کلّ سلوة علی والدته العزیزة الحنونة الّتی جزعت و فزعت بعد صعوده الیک و علی ایه الّذی رضی بقضائک و صبر علی بلائک انّک انت الکریم الّرحیم الوهاب و انّک انت اللطیف العظیم الّرحمن

عبدالبهاء عباس

ای خواهر مهرپرور آن مرغ گلشن آسمانی ناله مکن مویه منما آن شخص عزیز و جوان مهربان را در کاخ الهی خواهی یافت

عبدالبهاء عباس